

ناجی یا استعمارگر؟ بررسی شیوه های اعمال قدرت استعمارگران در رمان های  
سووشون اثر سیمین دانشور و گذری به هند اثر ادوارد مورگان فورستر  
ایوب دبیری<sup>۱</sup>، زهرا حق شناس<sup>۲</sup>

چکیده:

مفهوم ناجی یکی از مفاهیم مهمی است که در مطالعات پسا استعماری مورد توجه ویژه قرار گرفته است. ادوارد سعید در کتاب های شرق شناسی و فرهنگ و امپریالیسم به طور گسترده ای این مفهوم را مطرح و به بررسی آن می پردازد. او با مطرح کردن نظریه گفتمان استعماری چگونگی نفوذ قدرت های استعماری بر ملت های دیگر و تغییر مفهوم ناجی در این ملت ها را مورد بررسی قرار می دهد. گفتار حاضر تلاشی در جهت انطباق این نظریه با رمان های گذری به هند اثر ادوارد مورگان فورستر و سووشون اثر سیمین دانشور است.

---

adabiri83@abhariau.ac.ir

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر

Delaram.Haghshenas2014@gmail.com

۲. کارشناس ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهین شهر

۲۴ / ناجی یا استعمارگر؟ بررسی شیوه های اعمال قدرت استعمارگران در رمان های سووشون.....

این پژوهش نشان می دهد که در قسمت های مختلف رمان های فورستر و دانشور بعضی از شخصیت های رمان قربانیان قدرت های حاکم هستند که ناخواسته با پذیرفتن مفاهیم ساختگی قدرت های استعماری آنها را در رسیدن به اهداف خود یاری می کنند. یکی از مفاهیمی که قدرت های استعماری با تغییر آن به اهداف خود دست می یابند مفهوم ناجی است. در واقع قدرت های استعماری خود را به عنوان ناجیان مردم دیگر سرزمین ها معرفی می کنند و افراد باور این ادعا تبدیل به ابزاری برای رسیدن این حاکمیت ها به اهدافشان می شوند.

**کلید واژگان:** گفتمان استعماری، ناجی، مطالعات پسا استعماری، سووشون، گذری به هند

در این مقاله، گفتمان استعماری و مفهوم ناجی در دو اثر گندری به هند فورستر و سووشون دانشور تحلیل و بررسی می‌شود. علی‌رغم تفاوت‌های بسیاری که بین نویسندگان این دو اثر، فورستر و دانشور، وجود دارد خواننده این رمان‌ها پس از خوانش، به نفوذ قدرت‌های استعماری در زندگی شخصی شخصیت‌های رمان‌ها و تبدیل کردن آنها به ابزاری در راستای اهداف دولت‌های استعماری پی‌می‌برد. سیمین دانشور (۱۳۰۰-۱۳۹۰) «یکی از نویسندگان برجسته معاصر ایران است که در داستان‌هایش به تحولات سیاسی و اجتماعی و انسان معاصر رهیافت و نگاهی ویژه دارد.» (قبادی، آقاگل زاده و همکار، ۱۳۸۸: ۱۵۰)

خواننده رمان دانشور، پس از خوانش آثار او به این نتیجه می‌رسد که جهل و بی‌سوادی مردم یکی از بزرگترین دشمنان آنها است و قدرت‌های استعماری به این واسطه سرزمین‌ها را به سلطه خود در می‌آورند. ادوارد مورگان فورستر (۱۸۷۹-۱۹۷۰) رمان نویس بزرگ انگلیسی، گندری به هند را بر مبنای سفر خود به هندوستان نگاشته است و «شهر چندراپور نمونه بارزیست از جامعه‌ای استعماری که انگلیسی‌ها در آن همچون خدایان کوچکی بر بومیان حکمفرمایی می‌کنند» (کافی، جهان‌دیده، ۱۳۸۸: ۷۶) او با توصیف حوادث مختلف داستان اعمال نفوذ قدرت حاکم را در این کشور را نشان می‌دهد.

### ۱-۱- بیان مسئله

مفهوم ناجی، یکی از مهم‌ترین مفاهیم در مطالعات پسااستعماری است. در این گفتار مفهوم ناجی در سووشون و گندری به هند براساس نظریه گفتمان استعماری ادوارد سعید بررسی می‌شود. چگونگی اعمال قدرت استعمارگران انگلیسی از طریق بازی کردن نقش ناجی در جوامع استعماری در این دو رمان بسیار مشهود است. مسئله دیگری که در این دو رمان قابل بحث است عکس‌العمل مردم کشورهای مستعمره در برابر نیروهای انگلیسی و ادعاهایشان است. مفهوم ناجی در طول حوادث این دو رمان به طور قابل توجهی در زندگی شخصیت‌های رمان‌ها نقش آفرینی می‌کند. این مفهوم تبدیل به ابزاری برای اعمال قدرت می‌شود تا استعمارگران با معرفی خود به عنوان ناجی ملت‌ها بتوانند زمینه اعمال قدرت خود را فراهم کنند. بنابراین مهم‌ترین مساله پژوهش حاضر این است که در رمان‌های سووشون و گندری به هند استعمارگران چگونه با ادعای نجات دادن مردم سعی در اعمال قدرت بر روی آنان دارند.

### ۱-۲- پیشینه تحقیق

مطالعات پسا استعماری از جمله مطالعاتی هستند که امروزه مورد توجه خیل عظیمی از محققان قرار گرفته اند. با توجه به اینکه رمان های سووشون و گذری به هند از جمله رمان های برجسته در ادبیات جهان محسوب می شوند مقاله ها و کتاب های زیادی در نقد و بررسی این دو رمان نوشته شده است اما هیچ یک از این نوشته ها، این دو اثر را به صورت تطبیقی و با تأکید بر مفهوم ناجی بررسی نکرده است.

هوشنگ گلشیری فصل سوم کتاب *جدال نقش با نقاش در آثار سیمین دانشور* را با توضیحی درباره اسم رمان سووشون آغاز می کند و سپس به مقایسه این اثر با دیگر آثار دانشور می پردازد. مقاله "تحلیل گفتمان غالب در رمان سووشون سیمین دانشور" به کوشش حسینعلی قبادی، سید علی دسپ و فردوس آقا گل زاده، سووشون را از دیدگاه اجتماعی، فرهنگی و تاریخی بررسی می کند. "مقایسه و تحلیل جلوه های پسا استعماری در رمان های سووشون سیمین دانشور و موسم هجرت به شمال از طیب صالح" نوشته رضا ناظمیان و مریم شکوهی نیا، در واقع یک مطالعه تطبیقی بین ادبیات عرب و ادبیات فارسی است. فرهنگ و *امپریالیسم* از ادوارد سعید یکی از برجسته ترین کتابهایی است که به نقد و بررسی آثار فورستر از جمله گذری به هند می پردازد که پایه و اساس بسیاری از تحقیقات قرار گرفته است. کتاب *دوست صمیمی* اثر آشیس ناندی یکی دیگر از کتابهایی است که به نقد و بررسی آثار فورستر می پردازد. مقاله ها و کتابهای زیادی در نقد و بررسی این دو اثر انجام گرفته است.

### ۱-۳- اهمیت تحقیق

این مطالعه به بررسی نظریه گفتمان استعماری سعید در رمان های دانشور و فورستر می پردازد و از آنجاییکه بررسی مفهوم ناجی بر اساس گفتمان استعماری سعید در این دو رمان به صورت تطبیقی طرحی نو و بسیار مهم به حساب می آید و رمان های انتخاب شده آثار مهمی در ادبیات جهان محسوب می شوند این بررسی می تواند دارای اهمیت ویژه ای در بین مطالعات تطبیقی و پسا استعماری باشد. از طرفی این پژوهش شیوه های اعمال قدرت توسط استعمارگران را در دو رمان مذکور نمایان می سازد.

### ۲- بحث

ادوارد سعید در کتاب *شرق شناسی* بر این باور است که حکومت های غربی دیگر ملت ها را با شعارهای زیبا مانند امنیت، آسایش، عدالت، رفاه و دموکراسی به استعمار خود در می آورند.

اما اجازه تفکر کردن را از این مردم می گیرند و آنها را به پیروان بی بصیرت خودشان تبدیل می کنند. (ن.ک: سعید، ۱۹۸۷: ۱۵۵) در رمان های گذری به هند و سووشون این عملکرد دولت های غربی بسیار مشهود است.

## ۱-۲ - گفتمان استعماری

آسیس ناندی در کتاب دوست صمیمی بر این باور است که تسخیر مغزها مهم ترین قسمت استعمار یک ملت است، اما برخی از ساده دلان بر استیلای فیزیکی استعمارگران تمرکز می کنند. او می گوید حالا غرب همه جا هست در سرزمین های غربی و بیرون از این ملت ها، در افکار مردم سرزمین های دیگر. (ن.ک: ناندی، ۲۰۰۹: XI) به این ترتیب از «لحاظ فکری، روحی و معنوی صدماتی به کشورهای مستعمره وارد می شود و افکار، عقاید و ارزش ها را در درون به نابودی می کشانند.» (مصباح یزدی، به نقل از ناظمیان، شکوهی نیا، ۱۳۹۲، ۸)

سعید در شرق شناسی ادعا می کند که بعضی از مفاهیم مانند شرق و غرب وجود نداشته و ساخته امپریالیسم غربی هستند و به وسیله هنرمندان، نویسندگان و سیاستمداران در جوامع پذیرفته و اشاعه داده شده اند. اشخاص به طور ناخواسته این مفاهیم را می پذیرند و پذیرفتن این مفاهیم کمکی است به حاکمیت برای دیگرگونه جلوه دادن حقیقت. درگفتمان استعماری افراد به عنوان ابزاری که نادانسته قدرت های حاکم را به خواسته های خود نزدیک می کنند در نظر گرفته شده اند.

آنها هیچ حریم خصوصی در زندگی ندارند و قدرت های استعماری همیشه آنها را تحت نظر دارند و حتی در روابط صمیمی و زندگی شخصیشان ناخواسته به این قدرت ها کمک می کنند.

سعید در شرق شناسی می گوید: «همه قدرت های جهانی مأموریت خود را آوردن دموکراسی، صلح، امنیت و تمدن برای دیگرکشورها می خوانند و اگر برای به دست آوردن یک سرزمین اینها کافی نبود آن زمان اجبار آخرین سلاح است.» (سعید، ۱۹۸۷: XIV) و به این ترتیب افراد از مفاهیم واقعی و حقیقت فاصله می گیرند و با مفاهیم و ارزش های جعلی ناخودآگاه، قدرت های حاکم را در رسیدن به اهداف خود حمایت می کنند. (ن.ک: میلز، ۱۹۹۷، ۳۰). در حقیقت گفتمان استعماری بر عقاید و طرزفکر اشخاص متمرکز است و تحلیل و بررسی آثار ادبی طبق نظریه گفتمان استعماری بر عقاید و افکار شخصیت های رمان متمرکز است، نه عوامل بیرونی.

## ۲-۲- گفتمان استعماری در سووشون و گذری به هند

همان طور که ادوارد سعید در نظریه گفتمان استعماری بیان می کند، اشخاص همواره در حال دیده شدن از سوی قدرت های حاکم هستند و هیچ حریم خصوصی ندارند. سعید معتقد است مرزهای این حاکمیت قابل دیدن و تشخیص نیست و حتی اشخاص در صمیمی ترین روابط خود، قدرت حاکمیت را افزایش می دهند. (ن.ک: سعید، ۱۹۸۷: ۶۲) رونی نماینده استعمارگران انگلیسی در گذری به هند، بر این باور است که «هیچ چیز خصوصی در هند وجود ندارد.» (فورستر، ۱۳۹۴: ۴۶) گفتمان استعماری سعید به طور نمایانی در این رمان قابل بحث است. افراد بر هیچ یک از قسمت های زندگیشان تسلطی ندارند و قدرت حاکم از همه چیز با خبر است. سعید معتقد است در روابط خصوصی افراد، استعمارگران قدرت خود را افزایش می دهند و اشخاص ناخواسته ابزار دست قدرت می شوند.

سووشون و گذری به هند مثال های بسیار خوبی برای تحلیل و بررسی گفتمان استعماری هستند. برای نمونه در رمان گذری به هند خانم مور یک انگلیسی تازه وارد به هندوستان است و اطلاعاتی از چرایی حضور نیروهای استعمارگر انگلیسی در هند ندارد. او در روزهای آغازین ورود خود به این سرزمین با دکتر عزیز به طور ناخواسته در یک مسجد ملاقات می کند و پس از این ملاقات تمام حرف هایی که بین او و دکتر عزیز رد و بدل شده است را برای رونی و ادلا بازگو می کند. ادلا به عنوان شخصیتی که از اولین صفحه های رمان فورستر به دنبال هند حقیقی می گردد و معتقد است استعمارگران انگلیسی حقیقت را در این باره از او پنهان و به شکل دیگری نشان می دهند، از ملاقات خانم مور با یک پزشک هندی بسیار خوشحال است. اما رونی که در واقع در این رمان نماینده استعمارگران انگلیسی است و تمام تلاش خود را برای پیشبرد اهداف استعمار در هند می کند از شنیدن خبر این دیدار ناراحت می شود و به این خاطر او را توبیخ می کند و می گوید تو نباید با هندی ها صحبت کنی.

رونی می خواهد خبر ملاقات مادرش با دکتر عزیز را به اطلاع استعمارگران برساند. خانم مور از رفتار پسرش تعجب می کند و از او می خواهد که در این باره حرفی با آنها نزند و معتقد است این یک دیدار خصوصی است. اما رونی بر این باور است که آنها باید از همه چیز حتی شخصی ترین بخش های زندگی افراد اطلاع داشته باشند. رونی، نماینده استعمار انگلیس معتقد است که همه افراد جامعه باید تحت نظارت قدرت حاکم باشند. او از کوچکترین دیدارهای خصوصی که به نظر بسیار بی ارزش می آیند چشم پوشی نمی کند. رونی حتی از

نزدیک‌ترین افراد در زندگی خود هم نمی‌گذرد و خبر ملاقات مادرش با دکتر عزیز را به اطلاع حاکمان استعماری می‌رساند. سؤالی که برای خواننده این متن پیش می‌آید این است که او چرا این کار را می‌کند و در این نظارت‌ها به دنبال چیست؟ سعید در شرق‌شناسی اینگونه به این سؤالات پاسخ می‌دهد که قدرت‌های استعماری با نظارت بر افراد می‌توانند خواسته‌های خود را پیش ببرند. آنها با این نظارت‌ها می‌توانند مفاهیم ساختگی خود را وارد زندگی اشخاص کنند و با تغییر مفاهیم به خواسته‌های خود دست یابند.

در سووشون مستر زینگر و دیگر شخصیت‌های انگلیسی رمان مرتب به مدرسه انگلیسی می‌روند و به بررسی عملکرد و رفتار شاگردان آن می‌پردازند. «ناظم زنگ زد و همه دخترها به صف شدند و به تالار اجتماعات مدرسه رفتند و در آنجا منتظر ماندند. زینگر از جلو و آن پیرمردها و پیر زن‌های قوزی و راست قامت و متوسط و کوتاه به دنبالش به تالار آمدند» (دانشور، ۱۳۴۸: ۱۵۴) همان‌طور که دانشور می‌نویسد استعمارگران برای نظارت بر نحوه عملکرد قدرت حاکم در مدرسه به بازرسی از آن پرداخته‌اند. این نظارت‌ها همیشگی است و انگلیسی‌ها دست از آن برنمی‌دارند. آنها با این کار اهداف خود را دنبال می‌کنند. زینگر که پلیدترین شخصیت این رمان است بر همه قسمت‌های زندگی شخصی مردم نظارت دارد. زینگر و بقیه وارد مدرسه شده‌اند تا از پیش رفتن خواسته‌های استعماری بین دانش آموزان مدرسه اطمینان حاصل کنند. زینگر اینجا هم حضور دارد.

مسئله نظارت بر مردم از سمت قدرت‌های حاکم در گذری به هند نیز مورد توجه فورستر قرار گرفته است. برای مثال دکتر عزیز به فیلدینگ می‌گوید در هند هیچ کس قابل اعتماد نیست عزیز معتقد است تک تک جمله‌هایی که بین شخصیت‌های گذری به هند رد و بدل می‌شود از نظر قدرت استعماری انگلیس مهم است و گزارش آن به استعمارگران می‌رسد. هنگامی که عزیز در این باره با فیلدینگ که یک انگلیسی است صحبت می‌کند او بسیار تعجب می‌کند.

مثال دیگری که فورستر در رمان خود در این باره مطرح می‌کند، زمانی است که عزیز در زندان است و استعمارگران نامه‌های خصوصی او را می‌خوانند و پس از آن خواننده متوجه می‌شود که همه مردم از محتویات نامه‌ها با خبرند. این نامه‌ها در واقع خصوصی‌ترین بخش زندگی دکتر عزیز به حساب می‌آیند.

قدرت‌های حاکم در خصوصی‌ترین بخش‌های زندگی اشخاص نفوذ می‌کنند و این کار در قسمت‌های مختلفی از گذری به هند مشهود است. زولهمن در مقاله‌ای با عنوان "استعماری

دیگر درگذری به هند از ادوارد مورگان فورستر" بر این باور است که نه تنها مردم هند، بلکه مردم انگلستان هم قربانیان حکومت استعمارگر انگلیس هستند و در همه لحظه های زندگی خود زیر نظر و نفوذ این حاکمیت هستند. او معتقد است ملیت افراد نمی تواند آنها را از این سلطه و نفوذ رهایی دهد. (ن.ک: لهن، ۲۰۰۷: ۸۵-۸۶)

فورستر در تأکید بر رخنه قدرت استعماری انگلستان در زندگی خصوصی افراد جامعه تنها نیست دانشورهم با مطرح کردن شخصیت مستر زینگر در سووشون براین مسئله مهم تأکید می کند. زینگر یک فروشنده انگلیسی چرخ خیاطی است که همه مردم شهر از او خرید کرده اند اما واقعیت چیز دیگری است، او جاسوسی است که برای پیشبرد اهداف استعمارگران انگلیسی وارد خاک ایران شده و سعی دارد با نفوذ میان خانواده های ایرانی آنها را تبدیل به ابزاری برای رسیدن استعمارگران به اهدافشان کند. او در واقع در ذهن و فکر افراد جامعه رخنه می کند و آنها را برای رسیدن استعمار به خواسته های شکل می دهد. دانشور او را اینگونه معرفی می کند:

سرجنت زینگر فعلی کسی جز مستر زینگر سابق مأمور فروش چرخ خیاطی سینگر نبود. با آن هیکل چاق و چله پشت چرخ خیاطی می نشست و گلدوزی، شبکه و چین دوقلو یاد دخترهای مردم می داد. تعجب بود که خودش خنده اش نمی گرفت. اما دخترهای مردم خوب یاد می گرفتند. جنگ که شد زری شنید که مستر زینگر یک شبه لباس افسری پوشیده، یراق و ستاره زده و این لباس واقعاً به او می آمد. اندیشید خیلی طاقت می خواهد که آدم هفده سال به دروغ زندگی کند. کارش دروغی، لباسش دروغی سر تا پایش دروغ باشد. (همان: ۶)

همان طور که دانشور توصیف می کند زینگر باز یگر بسیار خوبی است که تقریباً همه شخصیت های سووشون را به بازی گرفته است و در زندگی خصوصی هریک از آنها به نحوی نقش دارد و به جز یوسف هیچ یک از شخصیت های رمان پی به حقیقت وجودی او نمی برند. دانشور می نویسد «تعجب بود که زینگر از کارها و رفتارش خنده اش نمی گرفت» (همان: ۶) و اینگونه اعتراض خود به کارهای زینگر و رفتار مردم نسبت به او را نشان می دهد و برای اعتراض بیشتر می گوید «جالب اینکه دخترهای مردم خوب یاد می گرفتند.» (همان: ۶).

و او این قسمت را مسخره تر از کارهای زینگر بر می شمارد و بسیار هنرمندانه جهل مردم و پذیرش شخصی مثل زینگر را از جانب عوام نکوهیده می داند. زری معتقد است لباس افسری بسیار برازنده زینگر است و اینگونه دانشور سعی دارد شخصیت حقیقی این جاسوس انگلیسی که در لباس یک فروشنده چرخ خیاطی در زندگی افراد جامعه اثرگذار است را به خواننده



نشان بدهد.

همچون دانشور، فورستر هم از عملکرد حاکمیت استعماری انگلستان در کشورهای مستعمره با خیراست. فورستر چندین بار درگذری به هند کلمه جاسوس را مطرح می‌کند و با نوشتن این کلمه در قسمت‌های مختلف رمان حس تحت نظارت بودن از طرف حاکمیت را به خواننده القا می‌کند و به همین دلیل شخصیت‌های این رمان نمی‌توانند به کسی اعتماد کنند. «در این مملکت هر قدر احتیاط کنید باز کم است. شاید تعجب کنید اگر بدانید وقتی برای احوالپرسی من آمدید لااقل سه جاسوس اینجا بودند.» (همان: ۲۰۲).

شخصیت‌های داستان فورستر هم مانند شخصیت‌های سووشون از وجود جاسوس‌هایی که از سوی حاکمیت انگلستان در بین آنها زندگی می‌کنند، رنج می‌برند. شخصیت‌های هر دو رمان به دنبال یک زندگی خصوصی هستند که متأسفانه به دلیل وجود قدرت حاکم وجود ندارد. دانشور تأثیر و نفوذ استعمارگران انگلیسی در تغییر مفاهیم در ایران را به طور واضح در رمان خود توصیف کرده است. مدرسه و بیمارستان و مراسم‌ها و... همه و همه متعلق به نیروهای انگلیسی است. زری که راوی داستان است به خوبی انگلیسی صحبت می‌کند چون در یکی از همین مدارس انگلیسی تحصیل کرده است. مدرسه یکی از مهم‌ترین مکان‌ها برای تغییر مفاهیم، ارزش‌ها و فرهنگ‌ها است. هنگامی که خواننده متوجه انگلیسی صحبت کردن زری می‌شود بر این باور است که او مثل انگلیسی‌ها فکر و رفتار می‌کند و او را یکی از آنها بر می‌شمارد.

زری با اینکه فردی تحصیل کرده است از فرهنگ و تمدن ایرانی چیزی نمی‌داند و تأثیر و نفوذ گفتمان استعماری در زری بسیار مشهود است. یوسف می‌گوید: اینها تأثیر مدرسه انگلیسی‌ها است. دانشور با مطرح کردن داستان سوگ سیاوش و اینکه زری به عنوان یک تحصیل کرده ایرانی هیچ اطلاعی از داستان سیاوش ندارد، اما بسیاری از شعرهای غربی را می‌داند، به شکل دیگری نفوذ استعمار را مطرح می‌کند. دکتر عزیز در رمان فورستر شخصیتی تقریباً مشابه زری دارد. او تحصیل کرده انگلستان است و در آن کشور روزهای خوبی را گذرانده. در اولین صفحات داستان او تلاش می‌کند روابط دوستی نزدیکی با انگلیسی‌ها داشته باشد، اما بعد از دادگاه در مورد روابطش با انگلیسی‌ها کاملاً تغییر نظر می‌دهد و این‌گونه به روابط با انگلیسی‌ها خاتمه می‌دهد و زمانیکه فیلدینگ پس از مدتی به هند باز می‌گردد و دوباره درخواست از سرگیری دوستی با دکتر عزیز را دارد، عزیز واکنشی بسیار منفی از خود بروز می‌دهد و دلیل رد پیشنهاد دوستی فیلدینگ را اینگونه بیان می‌کند:

## ۳۲ / ناجی یا استعمارگر؟ بررسی شیوه های اعمال قدرت استعمارگران در رمان های سووشون.....

این چیزی است که من می‌خواهم و چیزی است که تو می‌خواهی، اما اسب‌ها این را نمی‌خواستند و از هم جدا شدند. زمین نیز این را نمی‌خواست زیرا در راهشان صخره‌هایی قرار داده بود که سواران می‌بایست تک‌تک بگذرند. هنگامی که از آنجا گذشتند شهر مائو را زیر پای خود دیدند و معابد و آبگیر و زندان و قصر و مهمان‌خانه اروپایی را. پرنده‌گان و کرکس‌ها را دیدند، گویی آنها نیز نمی‌خواستند و همه با صداها صدای خود می‌گفتند "نه، هنوز نه" و آسمان گفت "نه، آنجانه". (همان: ۵۰۹-۵۰۸)

عزیز خود را یک قربانی می‌داند، شخصی که اجازه‌تصمیم‌گیری برای خصوصی‌ترین جنبه‌های زندگی خود را ندارد. با توجه به حوادث تلخی که برای او اتفاق می‌افتد عزیز از عملکرد قدرت استعماری انگلستان در زندگی اشخاص و محیط پیرامون خود با خبر است. عزیز معتقد است او قربانی قدرت حاکم استعماری است و علاقه او به داشتن رابطه دوستی با فیلدینگ مهم نیست چون او نقشی در تصمیم‌گیری‌های شخصی زندگیش ندارد. در حقیقت بیشتر شخصیت‌های رمان فورستر قربانیان بی‌حرکت قدرت حاکم هستند. عزیز خطاب به فیلدینگ می‌گوید: من می‌خواهم با تو دوست باشم اما محیط پیرامون این اجازه را به من نمی‌دهد و اشخاص هیچ حقی در تصمیم‌گیری‌های زندگی خود ندارند. او در واقع غیرفعال بودن اشخاص در زندگی خود را مطرح می‌کند. عزیز در گذری به هند و زری در سووشون دو شخصیتی هستند که میان دو فرهنگ استعماری و فرهنگ ملی و دینی خود ناگزیر به انتخاب یکی شده‌اند و با توجه به اینکه در محیط‌های آموزشی انگلیسی تحصیل کرده‌اند حتی تشخیص این دو از هم برایشان کار آسانی نیست و اطلاعی از فرهنگ ملی و دینی خود ندارند. این دو شخصیت در تضاد بین ارزش‌های استعماری و ارزش‌های ملی و فرهنگی خود هستند.

## ۲-۳- ناجی

مفهوم ناجی یکی از مهم‌ترین مفاهیمی است که باعث تولید قدرت برای استعمارگران می‌شود و به این منظور آنها در تلاش برای تغییر دادن معنای واقعی این مفهوم هستند. برخی از اشخاص نادانسته مفهوم ساختگی ناجی از سوی قدرت‌های استعماری را می‌پذیرند و با این کار نادانسته این قدرت‌ها را برای رسیدن به اهداف خود یاری می‌کنند. ادوارد سعید در کتاب فرهنگ و امپریالیسم به طور گسترده‌ای در مورد این مسئله صحبت کرده است و با نقد و بررسی آثار ادبی مختلف تلاش دارد، این جنبه از تغییر مفاهیم از سوی قدرت‌های استعماری

را نشان بدهد. او به طور گسترده‌ایی در باره مفهوم ناجی و رستگاری در این کتاب به بحث می‌نشیند.

سعید می‌گوید دولت‌های غربی خود را به عنوان کسانی معرفی می‌کنند که تنها هدفشان کمک و یاری رسانی به مردم کشورهای فقیر و در حال توسعه است. بر اساس نظرات ادوارد سعید تصویری که قدرت‌های غربی از خود نشان می‌دهند، تصویر یک ناجی است کسی که رستگاری و ادامه حیات دیگر ملت‌ها در گرو حضور او در کنار آنهاست. او در کتاب فرهنگ و امپریالیسم این ادعا را به دیده تمسخر نگاه می‌کند و می‌نویسد غربی‌ها به بهانه نجات مردم کشورهای دیگر وارد سرزمین‌هایشان می‌شوند ولی خواسته‌های خود را دنبال می‌کنند. او معتقد است پشت تمام ادعا‌های این قدرت‌های استعماری چیزی جز رهایی و نجات خودشان نیست. (ن.ک: سعید، ۱۹۹۴: ۶۹-۷۰)

مردم سرزمین‌های دیگر با پذیرفتن ادعای قدرت‌های غربی مبنی بر اینکه آنها منجیان واقعی هستند و برای نجات آنها پا به کشورهایشان می‌گذارند و بدون کمک‌هایشان رهایی و نجات و رستگاری امکان‌پذیر نخواهد بود این قدرت‌ها را برای رسیدن به خواسته‌های خود ناخواسته همراهی می‌کنند و این همراهی چیزی جز نابودی سرزمین و به یغما بردن فرهنگ و تمدن این مردم از سوی این قدرت‌ها به همراه ندارد. قدرت‌های استعماری به بهانه ایجاد دموکراسی، آزادی، فرهنگ و تمدن وارد خاک دیگر کشورها می‌شوند و اهداف شوم خود در را دنبال می‌کنند و مردم با پذیرفتن این بهانه‌ها ناخواسته به قدرت‌های غربی در رسیدن به این اهداف کمک می‌کنند.

#### ۴-۲- مفهوم ناجی در رمان‌های سووشون و گذری به هند

بیشتر شخصیت‌های انگلیسی رمان‌های سووشون و گذری برهند سعی بر نشان دادن خود به عنوان ناجی در میان مردم سرزمین‌های مستعمره دارند. آنها کارهایی انجام می‌دهند که ظاهراً برای منافع مردم اجرایی شده اما در باطن پیش‌برنده اهداف قدرت استعماری انگلستان است. در رمان‌های فورستر و دانشور یک شخصیت محوری که بیشتر جنبه‌های منفی این قدرت استعماری را در بر می‌گیرد وجود دارد. شخصیت‌هایی که مدام خود را به عنوان منجی معرفی می‌کنند. رونی این شخصیت منفی در گذری به هند و مستر زینگر این شخصیت در سووشون است.

شخصیت‌های دیگری هم وجود دارند که با آنها همراهند ولی نقش کم‌رنگ‌تری را ایفا می‌کنند. ولی مسئله مهم این است که همگی در راستای رسیدن به یک هدف در حرکتند. این

ساختار شخصیت پردازی یکسان بین دانشور و فورستر بسیار قابل توجه و حائز اهمیت است. یکی از اهداف مستر زینگر از نفوذ بین مردم ایران تغییر دادن مفهوم حقیقی ناجی در ذهن شخصیت های ایرانی رمان است. او همواره به عنوان کسی که غم مردم را با خود همراه دارد و برای شادی آنها از هیچ تلاشی دریغ نمی کند در قسمت های مختلف زندگی شخصیت های ایرانی داستان وارد می شود.

به مدرسه می رود و نقش کسی را بازی می کند که نگران آینده دانش آموزان است. طبق گفته زری او آنقدر نقش خود را خوب ایفا می کند که بیشتر مردم او را به عنوان ناجی خود پذیرفته اند و دانشور برای آنکه تأثیر و نفوذ زینگر بین خانواده های ایرانی را برای مخاطب ملموس کند داستان مادر زری و خرید چرخ خیاطی را مطرح می کند. زینگر به ازای هر چرخ خیاطی که می فروشد به خریدار ده جلسه رایگان خیاطی می آموزد. او حتی به دانش آموزان دبیرستانی هم خیاطی آموزش می دهد.

با چه کلکی مادر زری را واداشت تا چرخ خیاطی بخرد. مادر زری غیر از مستمری شوهر از دنیا چیزی نداشت. مسترزینگر به او گفته بود که اگر دختری چرخ خیاطی سینگر تهیه داشته باشد دیگر هیچ چیز احتیاج ندارد. گفته بود حتی مالک چرخ سینگر می تواند نان خودش را از همین چرخ خیاطی در بیاورد. (همان: ۷)

در واقع استعمارگران برای درونی سازی فرهنگ و عقاید خود در مستعمراتشان با توجه به تفاوت های فردی از روش های مختلفی استفاده می کنند. و این روش ها از فردی به فرد دیگر متفاوت است. صحبت های مسترزینگر با مادر زری نمونه ایی از این نفوذ و تغییر مفاهیم است. «گفته بود همه اعیان و اشراف شهر یکی یک چرخ خیاطی سینگر برای جهیزیه دخترهایشان خریده اند و دفترچه ایی به مادرزری نشان داده بود که اسم و رسم همه آدم های اسم و رسم دارشهر در آن نوشته شده بود.» (همان: ۷) زینگر به عنوان یک جاسوس انگلیسی حتی در شخصی ترین قسمت های زندگی مردم نفوذ و ایفای نقش می کند و مهم ترین بخش این نفوذ پذیرش بعضی از مردم ایران است. با وجود اینکه مادر زری از نظر مالی جزء افراد کم بضاعت جامعه محسوب می شود اما یک چرخ خیاطی از زینگر می خرد و باور دارد که به واسطه راهنمایی های زینگر که خود را یک ناجی معرفی می کند می تواند برای آینده فرزندش زندگی خوبی بسازد. مستر زینگر خود را به عنوان فردی معرفی می کند که به ایران آمده تا به مردم برای داشتن زندگی بهتر کمک کند و با خود تمدن و فرهنگ را به ارمغان آورده است و رستگاری مردم در دستان اوست. او در مدرسه، خانه ها، جشن ها، بین نیروهای نظامی

و حتی در کشته شدن یوسف نقش کلیدی دارد. اگرچه او یک فروشنده چرخ خیاطی است اما همه جا حضور دارد و مهم ترین بخش از شخصیتش مربوط به ایفای نقش به جای یک نجات دهنده است و به این وسیله شخصیت واقعی خود را پنهان و خواسته‌های قدرت حاکم را عملی می‌کند. زری در خواب مستر زینگر را می‌بیند که می‌گوید « خانم ها، آقایان صدقه بدهید، ما تمدن را برای شما پیشکش آوردیم.» ( همان ، ۲۵۸)

زری به عنوان کسی که در جای جای شکل‌گیری زندگی شخصی خود از دوران تحصیل تا خرید جهیزیه و زندگی زناشویی با مستر زینگر ناخواسته در ارتباط بوده و همیشه او این مفهوم را به ذهن زری القا کرده است که برای کمک به کشورش آمده حتی در کابوس‌های شبانه اش هم تصویر این مرد از ذهنش دور نمی‌شود. او در کودکی مرتب این حرف‌ها را از او شنیده بود که انگلیسی‌ها «از جیب خود مخارج می‌دهند. در راه مسیح مدرسه وسیع می‌دهند. می‌کنند.» (همان: ۱۵۳) بیشتر زن‌های همسن و سال زری وضعیتی مشابه او دارند در کودکی گاه و بی‌گاه حرف‌های زینگر را شنیده و گاه و بی‌گاه باور کرده‌اند و نمی‌توانند از ذهن بیرون کنند. نفوذ زینگر هنرمندانه است.

رونی شخصیتی که در رمان گذری به هند نمایندگی قدرت استعمارگر انگلستان را بر عهده گرفته و هنگام خوانش این رمان شخصیت مستر زینگر جاسوس انگلیسی رمان سووشون را به یاد ما می‌آورد. در صفحه‌های اول رمان به عنوان یک جوان کار آمد و خوب توسط یکی از دوستانش معرفی می‌شود. خواننده احساس می‌کند او برای انجام مأموریت مهمی وارد خاک هند شده و در کمک به مردم هند برای داشتن زندگی بهتر نقش مهمی ایفا می‌کند. ادلا برای شناخت شخصیت واقعی رونی همراه با خانم مور به هند آمده و معتقد است او و دیگر هم وطنانش حقیقت را از او پنهان کرده‌اند و مرتب تکرار می‌کند « می‌خواهم هند واقعی را ببینم.» (همان: ۶۲).

از آنجایی که گذری به هند نوشته یک انگلیسی است راوی داستان نزدیکی خاصی با شخصیت‌های انگلیسی دارد و به خوبی آنها را می‌شناسد، معرفی می‌کند و گاه‌گاه ادعاهایشان را به مسخره می‌گیرد و برخلاف دانشور که بیشتر درباره نفوذ قدرت‌های غربی در ذهن مردم مستعمره به عنوان منجی می‌نویسد، فورسترا این نفوذ را در شخصیت‌های انگلیسی موشکافانه توصیف می‌کند.

رونی خود را به عنوان شخصی که برای کمک به مردم هند وارد این خاک شده به ادلا معرفی کرده است اما ادلا به او بدبین است و احساس می‌کند رونی فقط یک بازیگراست. فورستر

هم مانند دانشور، بسیارظریف نفوذ و طریقه تغییرمفاهیم در ذهن مردم تحت استعماراز سوی قدرت حاکم را درگذری به هند توصیف می کند. اینکه چطور قدرت حاکم با تلاش درالقای مفاهیم ساختگی خود مانند مفهوم منجی که مفهومی کلیدی درپیش برد اهداف قدرت های استعماری است، به مقاصد شوم خود در کشورهای دیگر دست پیدا می کند. درصفحات اولیه گذری به هند این حس به خواننده القا می شود که رونی برای ایجاد صلح و زندگی بهتر به هند آمده است.

درحوادث مختلفی که دررمان اتفاق می افتد رونی کم کم شخصیت حقیقی خود را نشان می دهد و حضور ادلا و تکرار عبارت « می خواهم هند واقعی را ببینم » (همان، ۶۲)، دروغ ها وجاسوسی های رونی را پررنگ تر نشان می دهد. برای مثال زمانی که خانم موربا دکترا عزیز ملاقات می کند رونی می گوید: پس تو با او صحبت کردی، رفتارش مودبانه بود؟ خانم مور که از اهمیت این موضوع اطلاع نداشت گفت بله کاملاً یعنی بعد از همان لحظه اول. پس حتماً سرگرد به این موضوع علاقه مند خواهد بود. منظورم این است که یعنی ما فاتحان سنگدل و پشت میز نشین های خشک را می توانست تحمل کند؟ (همان: ۷۶)

رونی بر خلاف تصویری که مادرش از او در ذهن داشت، جزء فاتحان سنگدل است او هیچ کمکی به مردم هند نمی کند و به طور مستقیم این ادعا را رد می کند. فورستریک انگلیسی است به همین دلیل بیشترزندگی خصوصی و حرف های خصوصی شخصیت های انگلیسی را در رمان مطرح می کند او به وضوح نشان می دهد رونی شخصیتی که نماینده استعمارانگلیس است درحرف های خصوصی با مادرش خود را یک فاتح سنگدل می نامد و خواننده متوجه می شود که چرا ادلا همیشه می گوید می خواهم هند واقعی را ببینم. رونی از مادرش می خواهد که درباره عزیز با ادلا حرفی نزند:

- حقیقت این است که نمی خواهم ادلا ناراحت شود. چون آن وقت از خود خواهد پرسید که آیا ما با بومیان به عدالت رفتار می کنیم یا نه و ازاین قبیل مزخرفات. - او خودش آمده است که ناراحت شود و فقط برای این موضوع به اینجا آمده است. به اصطلاح خودش تو را فقط در بازی نمایش - نه درکار روزانه ات می شناسد. (همان: ۷۷)

رونی سعی می کند از توضیح حقایق برای مادرش فرارکند و به کمک او همان چهره منصف و خوبی که از خود به ادلا و دیگران نشان داده است را در ذهن ادلا حفظ کند. او حتی به وضوح رفتار عادلانه با بومیان را مزخرف می نامد، اما نمی خواهد عدالت و صلح دروغینی که قدرت حاکم انگلیسی از آن حرف می زند را برملا سازد.

جوابی که خانم مور به رونی می‌دهد تأکید بیشتری بر ادعا‌های دروغین قدرت حاکم انگلیسی دارد و به خواننده القا می‌کند که اینها همه تنها یک نمایش است، نمایشی که فرسنگ‌ها با دلیل واقعی حضور استعمارگران انگلیسی در هند فاصله دارد. فورستر با آوردن این کلمه از زبان خانم مور مستقیماً به خواننده رمان می‌گوید هیچ یک از شعارهای انگلیسی‌ها را نپذیرد و همه آنها و تنها دروغ و یک بازی بی پایان برای دست یافتن استعمارگران به خواسته‌های خود است. زمانی که ادلا به دنبال هند واقعی است با یک پرستار انگلیسی که در هند مشغول کار بوده ملاقات می‌کند این پرستار به او می‌گوید:

پرستار بودن در یکی از ایالت‌های هند، بدترین موقعیتی است که زنی انگلیسی می‌تواند داشته باشد. تنها آرزوی انسان این است که هر قدر ممکن است خود را از آنها دور نگاه دارد. حتی از مریض‌های خودتان؟ بیشترین محبتی که انسان می‌تواند در حق بومی بکند این است که بگذارد بمیرد.

تصویری که مردم از یک پرستار دارند کسی است که برای ادامه حیات و سلامتی با او روبه رو می‌شوند اما این پرستار، مهربانی با مردم هند را مثل خانم کلندر گرفتن جانشان تعریف می‌کند. خواننده رمان متوجه می‌شود که این پرستار مردم هند را درمان نمی‌کرده است و فقط به دنبال منافع شخصی خود بوده، او حتی مستقیماً می‌گوید کمک کردن به آنها مفهومی ندارد و باید از صفحه روزگار محو شوند.

فورستر بسیار صریح بازی‌های استعمارگران انگلیسی با مردم هند را در رمان خود مطرح می‌کند و نقشه‌ها و ادعاهایشان مبنی بر کمک و یاری به این مردم فقیر را به راحتی و بسیار بی پروا بر ملا می‌سازد. در رمان دانشور هم شخصیتی شبیه پرستار انگلیسی‌گداری به هند وجود دارد. خانم حکیم پزشکی است که در شیراز کار می‌کند و همیشه از اینکه به شیراز برای کمک به مردم ایران آمده است صحبت می‌کند و راوی سووشون او را اینگونه معرفی می‌کند:

نه تنها ماما بود. جراح هم بود. دست به کارش هم خوب بود. علاوه بر اینها به قول خودش بشارت هم می‌داد، هدایت هم می‌کرد. هر شب زائو‌ها و کاردی‌ها و کس و کارشان را به خط می‌کرد و برایشان فیلم می‌داد. بعد هم به فارسی موعظه می‌کرد. (همان: ۳۷)

او با وجود اینکه می‌گوید «شفا و دواي شما در دست من است» (۱۲۹ همان) آخر داستان که بسیاری از مردم از بیماری جان می‌دهند، برای زنده ماندنشان تلاش نمی‌کند. تفاوت فورستر و دانشور در معرفی شخصیت‌ها در این است که فورستر یک انگلیسی است و دانشور

یک ایرانی. دانشور آنچه در جامعه دیده است را بیان می کند و فورستر، آنچه انگلیسی ها در پشت پرده و در میان خودشان مطرح می کنند را تصویر کرده. در سووشون تأثیر گفتارهای خصوصی بین شخصیت های انگلیسی رمان فورستر را به وضوح می بینیم. خانم حکیم هم مثل پرستار انگلیسی گذری بر هند از مردمی که مستعمره انگلیس هستند متنفر است و در تلاش است تا آنها را از بین ببرد و همه ادعا هایش مبنی بر کمک کردن و معالجه آنها دروغ است.

کولو تنها ایرانی است که در بیمارستان بستری شده البته تنها به دلیل وساطت خان کاکا که برای انگلیسی ها کمک بزرگی محسوب می شود. هنگامی که کولو در بیمارستان است، قدرت حاکم تلاش می کند با نفوذ در باورهای مذهبیش خود را در نگاه او تبدیل به یک ناجی کند. زمانی که او در بیمارستان بستری می شود کشیشی بر بالینش می آید و او را به دین مسیحیت تبلیغ می کند. برای اولین بار که کولو او را می بیند «خیال کرده حضرت ابوالفضل است» (همان: ۱۸۸) و برای شفای بیماران آمده است.

طرز فکر کولو نشان دهنده این است که این شخصیت ضعیف رمان به دنبال یک ناجی است. از آنجایی که در باورهای دینی مردم ایران حضرت ابوالفضل (ع) به عنوان یک نجات دهنده از غم و بیماری معرفی شده است کولو، کشیش را که ادعای نجات بخشی دارد در اولین نگاه حضرت ابوالفضل (ع) می نامد، در ادامه کشیش تلاش می کند او را مسیحی کند و برای این کار با گفتن داستان حضرت داوود که همچون او، چوپان بوده به راحتی عقایدش را تغییر می دهد و از حس رنج و مصیبتی که دامان کولو را گرفته است به نفع خود و با ادعای نجات بخشی او استفاده می کند. کولو که به دنبال یک منجی است به راحتی کشیش و عقایدش را می پذیرد. استعمار حتی باور های مذهبی مردم را نشانه می گیرد و سعی در جایگزینی آن با باور های خود را دارد، در صورتی که این باور های جایگزین به هیچ وجه کمکی به آنها نمی کند.

یکی دیگر از شباهت های مهم این دونویسنده در شخصیت پردازی، در رابطه با شخصیت های کشورهای مستعمره و عکس العملشان در برابر تغییر مفهوم منجی از سوی قدرت استعماری انگلستان است. بیشتر شخصیت ها معتقدند بدون وجود انگلیسی ها مشکلات حل نمی شود.

بعضی به شک می افتند و بعضی، آن را کامل رد می کنند. بعضی شخصیت ها به واسطه نفوذ انگلیسی ها در زندگی شخصیشان، بر این باورند که نجات دهنده آنها از فقر و مشکلات زندگی انگلیسی ها هستند و اگر برایشان مدرسه و بیمارستان و از این قبیل خدمات ارائه



نمی‌دادند حتماً زندگی بدتری داشتند. دانشور و فورستر در جای جای سووشون و گذری به هند نفوذ استعمارگران در زندگی شخصی افراد، برای بازی کردن نقش یک ناجی را به تصویر می‌کشند.

دانشور و فورستر در این باره نظری کاملاً یکسان دارند. بیشتر شخصیت‌های هندی رمان فورستر از حضور نیروهای انگلیسی در سرزمینشان ناراحت نیستند و در تلاش برای نزدیکی و ایجاد رابطه‌ی دوستی با آنها هستند.

گذری به هند پر است از نشست‌های دوستانه بین شخصیت‌های رمان که فورستر بسیار هنرمندانه طرز تفکر و واقعیت وجودیشان را در آن‌ها توصیف می‌کند در اولین نشست دوستانه‌ایی که بین عزیز، حمیدالله و محمود علی ترتیب داده شده فورستر به ظرافت نظرات مختلف درباره‌ی انگلیسی‌ها را از زبان آنها می‌نویسد اینکه چطور بعضی از مردم کشورهای مستعمره از انگلیسی‌ها به عنوان کمک‌کنندگانی که برای پیشرفت آنها همیشه آماده‌اند یاد می‌کنند و کسانی که گاهی می‌پذیرند و گاه مردد می‌شوند و کسانی که هنوز قدرت حاکم نتوانسته در ذهنشان رسوخ کند.

فورستر در این نشست دوستانه کل حوادثی که قرار است در رمان اتفاق بیفتد را به طرز هنرمندانه‌ایی بیان می‌کند و با سخن گفتن در این باره خواننده را برای هر حادثه‌ایی آماده می‌کند. حمیدالله می‌گوید: دوست من هیوبنیستر که پسر دوستان عزیز و مرحوم من قدسی بنیستر و خانمش است و محبتشان را در حق خود هرگز فراموش نخواهم کرد و شرح آن نیز از بیان خارج است. در موقع اقامت در انگلستان آنها به منزله‌ی پدر و مادر من بودند و با ایشان همانطور که با شما به صداقت صحبت می‌کنم، گفت و گو می‌کردم. در تعطیلات خانه این کشیش به منزله‌ی خانه من بود. (همان، ۴۴)

با توجه به تصویری که حمیدالله از انگلیسی‌ها ارائه می‌دهد او باور دارد که اگر آنها به او کمک نکرده بودند نمی‌توانست تحصیلات خود را به پایان برساند و انگلیسی‌ها دوستان و نجات‌دهندگان او در روزهای سختی بوده‌اند و هستند. او مدام از خوبی‌های آنها سخن می‌گوید و آنها را به عنوان کسانی می‌شناسد که همیشه برای کمک به او آماده‌اند و آنها را همچون فرشته‌هایی در زندگی خود تصور می‌کند.

هرچندگاهی دوستانش عزیز و محمود علی با او موافق نیستند و نظرات متفاوتی دارند اما او حرفشان را نمی‌پذیرد.

در سووشون زری پس از مرگ یوسف، در وضعیت روح خوبی قرار ندارد و مرتب کابوس

#### ۴۰ / ناجی یا استعمارگر؟ بررسی شیوه های اعمال قدرت استعمارگران در رمان های سووشون.....

می بیند در یکی از کابوس ها می بیند که استعمارگران انگلیسی به شیراز حمله کرده اند، اما مردم به جای مقاومت در برابر آنها به پشت بام ها می روند و یکی یک بیرق انگلیس سردر خانه هایشان می زنند که بگویند، ما در پناه دولت فحیمه انگلیس هستیم. چه بلوایی مردهایی که روی پشت بام ها بودند ریپ، ریپ، ریپ از پشت بام ها پایین می آیند و یکی یک تشت روی سرشان است. تشت ها را روی زمین می گذارند. در هر تشتی یک سر بریده هست. (همان: ۲۵۶)

خواننده با خوانش این قسمت از رمان با خود می اندیشد شاید این اعتراضی است از جانب نویسنده به عملکرد مردم در برابر قدرت های استعماری، اینکه حتماً یکی از این سرها، سریوسف است.

هنگامی که مردها به پشت بام ها می روند و پرچم انگلیس را در دست می گیرند خواننده حس می کند که آنها حتی برای داشتن حق زندگی به انگلیسی ها نیاز دارند و بدون کمک آنها ادامه زندگی امکان پذیر نیست. در حقیقت انگلیسی ها نجات دهندگان این مردمند. اما زمانیکه دانشور سرهای بریده را مطرح می کند، تنها نکته ایی که به ذهن خواننده متبادر می شود این است که برای ادامه زندگی باید به وطن وهم وطنان خود خیانت کنید و در ازای از بین بردن هم وطنانتان حق زندگی دارید. مسئله دیگری که به خواننده القا می شود این است که مردان با دردست گرفتن پرچم انگلیس و پناه بردن به آن، ناخواسته هم وطنان خود را از بین خواهند برد و این از جهل و نفوذ گفتمان استعماری در رابطه با تغییر مفهوم ناجی در ذهن های آنها نشأت گرفته است.

در مدرسه زری و دوستانش از خانم مدیر که یک انگلیسی است، می شنوند که ما برای شما فرهنگ، تمدن و زندگی بهتر آوردیم و بدون ما شما نمی توانید کاری انجام دهید. تصویری که خانم مدیر از خود نشان می دهد، تصویریک منجی است. با اینکه زری مدتها پیش دانش آموز بوده و مادر سه فرزند است هنوز هم گاهی حرف های خانم مدیر را به یاد می آورد و به خاطرش می رسد که در کودکی گاهی حرف های خانم مدیر را باور می کرد و به او به چشم یک ناجی می نگریست که اگر نبود زری آداب معاشرت نمی آموخت، فرهنگ و تمدن نداشت. یوسف همواره با طرز فکر زری ناسازگار است. حمید الله و زری هر دو قربانی نفوذ گفتمان استعماری در زمان تحصیل خود هستند و تشخیص حقیقت برای آنها کاری دشوار است.

#### ۳- نتیجه گیری

مفهوم ناجی یکی از مفاهیم مهم در مطالعات پسا استعماری به حساب می آید. فورستر و

دانشور در رمان‌های خود به طور گسترده‌ای به این موضوع پرداخته‌اند و با قلم شیوای خود نفوذ گفتمان استعماری بین مردم جوامع استعمار شده را به تصویر می‌کشند و با هنرمندی بسیار نشان می‌دهند که قدرت‌های حاکم استعماری چگونه با نفوذ در میان مردم مفهوم اصلی ناجی را تغییر می‌دهند و خود را منجیان این جوامع معرفی می‌کنند. روش نفوذ استعمارگران در میان اشخاص مختلف جامعه متفاوت می‌باشد.

رمان‌های سووشون و گذری به هند هر دو شامل شخصیت‌های انگلیسی و شخصیت‌هایی کشورهای مستعمره قدرت حاکم انگلیسی هستند و نویسندگان از جنبه‌های مختلف و با توصیفات گوناگون طریقه نفوذ این قدرت استعماری بر مردم مستعمره و تغییر مفهوم ناجی را مطرح می‌کنند.

#### کتابنامه

- دانشور، سیمین. (۱۳۴۹) *سووشون*. چاپ دوم. تهران: خوارزمی
- فورستر، ادوارد مورگان. (۱۹۲۴م). *گذری به هند*. ترجمه حسن جوادی. (1394). چاپ دوم. تهران: خوارزمی
- قبادی، حسینعلی و آقا گل زاده، فردوس و دسپ، سیدعلی. (۱۳۸۸). تحلیل گفتمان غالب در رمان سووشون سیمین دانشور. فصل نامه نقد ادبی. دوره ۲، شماره ۶، صص ۱۴۹-۱۸۳
- کافی، غلامرضا و جهانزاده، محمد هادی. (۱۳۸۸). مقایسه احساسات جوزف کنراد، ای ام فورستر، جلال آل احمد و اقبال لاهوری. پژوهش نامه ادب غنایی دانشگاه سیستان و بلوچستان. سال هفتم، شماره ۱۳، صص ۸۸-۶۳
- ناظمیان، رضا و شکوهی نیا، مریم. (۱۳۹۲). مقایسه و تحلیل جلوه‌های پسااستعماری در رمان‌های سووشون سیمین دانشور و موسم هجرت به شمال طیب صالح. فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش زبان و ادبیات فارسی. شماره ۲۹، صص ۱-۳۲
- Lehman, Zoe. (2007) "The Colonial Other in E.M. Forster's *A Passage to India*". *Quest*. Autumn 2007.
- [https://www.qub.ac.uk/sites/QUEST/FileStore/Issuefive/Filetoupload,93191\\_en.pdf](https://www.qub.ac.uk/sites/QUEST/FileStore/Issuefive/Filetoupload,93191_en.pdf). Accessed 15 July 2016.

۴۲ / ناجی یا استعمارگر؟ بررسی شیوه های اعمال قدرت استعمارگران در رمان های سووشون.....

- Mills, Sara. (1997) *Discourse: The New Critical Idioms*. London: Routledge.
- Nandy, Ashis.(2009). *The Intimate Enemy*. Oxford University Press.
- Said, Edward W.(1994). *Culture and Imperialism*. New York: A Division of Random House, Inc. Vintage Books.
- - ----. (1978) *Orientalism*, London: Penguin Books.